

نامه ی آبراهام لینکلن به معلم پسرش

به پسرم درس بدهید. او باید بداند که همه ی مردم عادل و همه ی آنها صادق نیستند، اما به پسرم بیاموزید که به ازای هر شیاد، انسان صدیقی هم وجود دارد. به او بگویید به ازای هر سیاستمدار خودخواه، رهبر جوانمردی هم یافت می شود. به او بیاموزید که به ازای هر دشمن، دوستی هم هست. می دانم که وقت می گیرد، اما به او بیاموزید اگر با کار و زحمت خویش، یک دلار کسب کند، بهتر از آن است که جایی روی زمین، ۵ دلار بیابد. به او بیاموزید که از باختن پند بگیرد، از پیروز شدن لذت ببرد. او را از حسد بر حذر دارید. به او نقش و تأثیر مهم خندیدن را یادآور شوید. اگر می توانید به او نقش مؤثر کتاب در زندگی را آموزش دهید. به او بگویید تعمق کند، به پرندگان در حال پرواز در دل آسمان دقیق شود. به گل های درون باغچه و زنبورها که در هوا پرواز می کنند، دقیق شود. به پسرم بیاموزید که در مدرسه، بهتر این است که مردود شود، اما با قلب به قبولی نرسد. به پسرم یاد بدهید با ملایم ها ملایم و با گردنکش ها گردن کش باشد. به او بگویید به عقایدش ایمان داشته باشد، حتی اگر همه برخلاف او حرف بزنند. به پسرم یاد بدهید که همه ی حرف ها را بشنود و سخنی را که به نظرش درست می رسد انتخاب کند. ارزش های زندگی را به پسرم آموزش دهید. اگر می توانید به پسرم یاد بدهید که در اوج اندوه، تبسم کند. به او بیاموزید که از اشک ریختن خجالت نکشد. به او بیاموزید که می تواند برای فکر و شعورش مبلغی تعیین کند، اما قیمت گذاری برای دل، بی معناست. به او بگویید که تسلیم هیاهو نشود و اگر خود را برحق می داند، پای سخنش بایستد و با تمام قوا بجنگد. در کار تدریس به پسرم، ملایمت به خرج دهید، اما از او یک نازپرورده نسازید. بگذارید که او شجاع باشد. به او بیاموزید که به مردم اعتقاد داشته باشد. توقع زیادی است، اما ببینید که چه می توانید بکنید. پسرم کودک کم سن و سال و بسیار خوبی است.

«به نقل از همکار خلاق و توانای مدرسه یادگیری»

برچسب های خاکستری

به یاد بیاورید زمانی را که مدیرتان عقیده شما را درباره تصمیمی کلیدی می پرسد. شما هم پاسخ خوبی می دهید. مدیر گوش می کند و شما احساس می کنید که در تصمیم گیری مشارکت داشته اید. اما مدتی بعد متوجه می شوید که قبلاً تصمیم گرفته شده است و نظر شما چندان مهم نبوده است. شما به دلیل نمایش مدیریت مشارکتی مورد سؤال قرار گرفته اید تا این حس در شما ایجاد شود که به حرف شما توجه می شود. وقتی به چنین وضعیتی دچار شده اید، چه احساسی داشته اید؟ احتمالاً احساس حماقت و طرد شدن نموده اید، به خصوص اگر پاسخی متفاوت داده باشید. دفعه بعد به جای اینکه پاسخی صادقانه بدهید، سعی می کنید پاسخی بدهید که قبلاً گرفته شده است و در ذهن خودتان به فردی که از شما سؤال کرده است **برچسب خاکستری** می زنید. **برچسب های خاکستری ذهنیتی است که افراد از مجموع ضربه های کوچکی که دیده اند، پیدا می کنند. بسیاری از برچسب های خاکستری قابل داد و ستدند و برای مدارس به ویژه در اقدامات تغییر، بسیار خطرناک هستند.**

به نقل از کتاب «change Dance of»